

بررسی جامعه شناختی تأثیر نابرابری جنسیتی بر توسعه فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان زن دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران)

حمید بختیاری^۱، زهرا حضرتی صومعه^{۲*}، ساسان ودیعه^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

DOI: 10.30495/JISDS.2022.65559.11681

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی جامعه شناختی تأثیر نابرابری جنسیتی بر توسعه فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان زن دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران) انجام گرفته است. چارچوب نظری تحقیق با استفاده از نظریه نظریه پردازانی همچون ریتزر، بوردیو، بلومبرگ، چافتز، اسمیت و انگلس، هریسون و گروندونا طراحی گردیده است. روش تحقیق کمی از نوع روش پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان زن دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران و حجم نمونه بدست آمده ۳۸۲ نفر و نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، متناسب با حجم و تصادفی ساده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته که اعتبار ابزار محتوایی صوری و اعتماد با آلفاخ کرونباخ محاسبه شد و ۰/۸۱ به دست آمد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد به طور کلی توسعه فرهنگی در جامعه‌ی معاصر ایران، در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. همچنین بین توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادی، سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی به عنوان ابعاد نابرابری جنسیتی و توسعه فرهنگی رابطه معکوسی وجود دارد. آزمون رگرسیون نشان داد که متغیرهای تحقیق توانسته‌اند حدود ۳۸/۳ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) را پیش‌بینی کنند. به طوری که از بین ابعاد نابرابری جنسیتی، سرمایه فرهنگی با ضریب رگرسیونی ۰/۶۰۰ - بالاترین تأثیر رگرسیونی و توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی با ضریب رگرسیونی ۰/۱۰۸ - پایین‌ترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) داشته‌اند.

واژگان کلیدی: توسعه فرهنگی، سرمایه نمادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. f.hamidbakhtiari72@yahoo.com

^۲ دانشیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): hazrati14@yahoo.com

^۳ استادیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. s.vadiea5@gmail.com

مقدمه و طرح مساله

یکی از مسائل اساسی در جامعه شناسی، نابرابری اجتماعی می‌باشد، تردیدی نیست که جامعه‌ی کاملاً برابره‌ای مقوله‌ای نظری و انتزاعی است. به هر حال نابرابری بر پایه‌ی جنس، سن و نقش‌های اجتماعی، انگ زنی و عنوان دهی ناشی از آنها، امری عمومی است، و جامعه‌ای عاری از این امور تاکنون تجربه نشده است. از جمله مهمترین نابرابری‌های اجتماعی، نابرابری‌های جنسیتی است. نابرابری جنسیتی عبارت است از توزیع نابرابر سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، نمادی و اجتماعی) بین دو جنس. بر این اساس، جایگاه عاملان در هر حوزه به وزن نسبی سرمایه‌هایی که به همراه خود به فضای اجتماعی موجود می‌آورند، بستگی دارد (بورديو، ۱۳۹۵: ۴۶۸).

برای فهم نابرابری جنسیتی باید به تبیین چگونگی نقش جنسیت در ساختاردهی زندگی اجتماعی پرداخت. در اکثر جوامع بشری جنسیت به وجود زیستی زنان و مردان نسبت داده می‌شود، و از آن پس این زنان و مردان از طریق جامعه‌پذیری متفاوت عمل خواهند کرد. این فرایند مرحله‌گذار از جنس به جنسیت است از آغاز دوران رشد، دختر و پسر در معرض تجربه‌های اجتماعی چه در محیط خانواده و چه در جامعه قرار می‌گیرند. به این ترتیب هویت جنسیتی و خود پنداره این دو گروه جنسیتی شکل می‌گیرد و در آینده انتخاب‌های آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گروسی، ۱۳۸۴: ۱۳۰؛ به نقل از کربو، ۲۰۰۳: ۳۰۰).

توسعه فرهنگی فرآیندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های اداری، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها، شخصیت و ویژگی‌های را در آنها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه می‌باشد به عبارتی حاصل فرآیند توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است (ازکیا، ۱۳۸۸: ۴۸).

با توجه به اینکه تمامی افراد جامعه (زن و مرد) نقش بسزایی در چگونگی تحقق توسعه فرهنگی دارند از این رو، وجود برابری جنسیتی در جوامع مختلف یکی از ابزارهای اساسی توسعه فرهنگی به شمار می‌آید. مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۸، شاخص نابرابری جنسیتی را در ایران رتبه ۱۴۳ از بین ۱۴۹ کشور اعلام کرده است. شاخص شکاف جنسیتی تنها بازگو کننده میزان نابرابری میان زنان و مردان در ایران نیست، بلکه میزان دوربودن کشورمان از مسیر توسعه را هم نشان می‌دهد. کشوری که در پی توسعه است نمی‌تواند این گونه نیمی از نیروی انسانی متخصص خود را از مباحث (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) دور نگه دارد. با توجه به درصد بالای دانشجویان دختر و تأثیر غیرقابل تردید نقش و حضور زنان در توسعه فرهنگی کشور، انجام این پژوهش ضرورت می‌یابد، ضمن اینکه مطالعه و ایجاد فرصت‌های برابر سبب تقویت حس اعتماد بنفس و نیز استقلال و افزایش مشارکت‌های اجتماعی زنان می‌شود.

لازمه دستیابی به توسعه فرهنگی پایدار، حضور زنان و مردان در عرصه‌های مختلف به طور برابر است. با توجه به حاکم بودن نابرابری جنسیتی در جوامع در حال توسعه و خاصه ایران، پرداختن به مقوله توسعه فرهنگی و ارتباط آن با نابرابری جنسیتی امری انکارناپذیر می‌باشد. از این رو این پژوهش به دنبال بررسی تأثیرات نابرابری جنسیتی بر توسعه فرهنگی است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی: تأثیر نابرابری جنسیتی بر توسعه فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان زن دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران)

اهداف جزئی:

سنجش نابرابری جنسیتی و مولفه‌های آن،

سنجش توسعه فرهنگی در بین دانشجویان زن دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران

تأثیر مولفه‌های نابرابری جنسیتی بر توسعه فرهنگی.

پیشینه پژوهش

در رابطه با این پژوهش، چه در داخل و چه در خارج از کشور مطالعاتی وجود دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود. تیموری در سال ۱۴۰۰ به شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی دستمزد در صنعت گردشگری پرداخته است. روش پژوهش، آمیخته با رویکرد اکتشافی متوالی (کیفی-کمی) بود. به منظور استخراج عوامل، در مرحله‌ی نخست (کیفی) با ۱۶ نفر از متخصصان گردشگری که از طریق روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شده بودند، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته‌ای انجام شد. براساس نتایج مدل‌سازی‌ها، عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی دستمزد در صنعت گردشگری، سه عامل فرهنگی-اجتماعی (شامل تصورات کلیشه‌ای، جامعه‌پذیری جنسیتی، مردم‌محوری، سواد حقوقی)، سیاسی-قانونی (شامل سیاست‌گذاری‌ها و قوانین فرادستی، اجرا، نظارت، اقدامات تشویقی و تنبیهی) و اجرایی-سازمانی (شامل نارسایی‌های مدیریتی، فرهنگ سازمانی، زیرساخت‌ها و تجهیزات فناورانه) تأیید شدند. بررسی‌های ضرایب مسیر مدل‌ها نشان داد که در بین عوامل اصلی، عامل فرهنگی-اجتماعی و از میان مؤلفه‌ها نیز، جامعه‌پذیری جنسیتی، تأثیر بیشتری در تبیین نابرابری جنسیتی دستمزد در صنعت گردشگری را داشته که این موضوع، ضرورت آموزش و آگاهی‌سازی افراد را فارغ از هرگونه نگاه‌های جنسیت‌زده یادآور می‌شود (تیموری، ۱۴۰۰).

فاطمی در سال ۱۳۹۹ به تبیین جامعه‌شناختی عوامل و موانع فرهنگی توسعه (مورد مطالعه: شهروندان استان زنجان) پرداخته است. تحقیق حاضر از حیث ماهیت، توصیفی-تحلیلی؛ از نظر اجرا و کنترل شرایط تحقیق، پیمایشی؛ از نظر هدف، کاربردی؛ به لحاظ ژرفایی، پهنانگر و به لحاظ زمانی، مقطعی است. جامعه‌ی آماری تحقیق افراد ۱۵ تا ۴۰ سال (۲۹۳۴۵۴ نفر) ساکن در مراکز شهرستان‌های استان زنجان هستند که حجم نمونه ۴۱۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌های آماری نشان داد که، اقتدارگرایی، تقدیرگرایی، خاص‌گرایی، فردگرایی عمودی، بی‌تفاوتی و وابستگی به دولت دارای رابطه‌ی معکوس و متوسط و پایگاه اجتماعی-اقتصادی، صداقت رفتاری، نشاط اجتماعی و ظرفیت آرزو دارای رابطه‌ی مستقیم و متوسط با متغیر وابسته‌ی تحقیق، توسعه‌یافتگی فرهنگی (نوگرایی، خردگرایی، گرایش به ارزش‌های فرامادی، فردگرایی افقی و کثرت‌گرایی فرهنگی) هستند. طبق نتایج تحلیل رگرسیونی، متغیرهای باقی‌مانده در مدل رگرسیونی توانسته‌اند براساس ضریب تعیین تعدیل‌شده، ۴۲ درصد از تغییرات توسعه‌یافتگی فرهنگی شهروندان استان زنجان را پیش‌بینی نمایند (فاطمی، ۱۳۹۹).

رسلیان، آمنه در سال ۱۳۹۹ به بررسی ارتباط بین احساس نابرابری جنسیتی و سرمایه اجتماعی- فرهنگی زنان شهر آبادان پرداخت. در این پژوهش از روش توصیفی از نوع همبستگی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را زنان شهر آبادان در سال ۹۹ تشکیل می‌دادند که تعداد ۳۹۳ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد بین متغیرهای انواع سرمایه و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. نتایج حاصل از مدل‌سازی معادله ساختاری که در راستای تأیید نتایج فرضیات بوده نشان داد که روابط ساختاری دو متغیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی هر کدام اثرات معکوس و معناداری بر احساس نابرابری زنان داشته‌اند. در قوی‌ترین رابطه سرمایه فرهنگی با ضریب (۰/۵۳-) اثر معکوسی بر احساس نابرابری زنان آبادانی دارد. به این معنی که با افزایش حجم سرمایه فرهنگی زنان به طور چشمگیری از احساس نابرابری جنسیتی آنان کاسته می‌شود (رسلیان، ۱۳۹۹).

قره حسنلو در سال ۱۳۹۹ به بررسی "شناسایی مضامین نابرابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال" پرداختند. بدین منظور از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته برای گردآوری داده‌های تحقیق استفاده شد و با ۲۳ نفر از زنان با تنوع شغلی در شهر تهران مصاحبه به عمل آمد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بنابر روایت زنان سلطه‌پذیری زنان در برابر تحکم و سلطه جوئی و قدرت طلبی مردان، جامعه‌پذیری زنان و باورپذیری به برتری مردانه (سکسیم) مهمترین عوامل شکل دهنده نابرابری جنسیتی است. تقسیم کار جنسیتی در اشتغال از سوی مردان با هدف دستیابی به ارکان قدرت و تلاش برای کسب جایگاه‌های برتر و مدیریت سنت‌گرا و

تبعیض آمیز و باورهای کلیشه‌ای فرهنگی-اجتماعی نیز بستر ساز این پدیده است. برای کاهش نابرابری نیز نیاز به قوانین حاکمیتی در حوزه استخدام و آموزش و تغییر باورهای کلیشه‌ای در نظام تولید و بازتولید آموزش است. (قره حسنیلو، ۱۳۹۹).

تولیت جوشقانی در سال ۱۳۹۸ به شناخت مولفه‌های توسعه فرهنگی با استفاده از روش داده بنیاد پرداختند. تحقیق حاضر با هدف شناخت مولفه‌های توسعه فرهنگی با استفاده از روش داده بنیاد صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر، را کارکنان و مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (تقریباً ۷۵۰ نفر) تشکیل می‌دهند. تعداد ۲۵۴ نفر به عنوان نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. رتبه‌بندی مفاهیم شناسایی شده برای توسعه فرهنگی با روش تاپسیس، به شرح زیر است: تعاملات فرهنگی و بین‌المللی، بهداشت جسمی و روانی، کرامت و آزادی‌های انسانی، نظم اجتماعی، شاخص عقلانیت، خانواده، کالا و خدمات فرهنگی، استقلال فکری و ملی، سرمایه اجتماعی، وحدت و انسجام، عدالت، اخلاق، و هویت (تولیت جوشقانی، ۱۳۹۸).

زمانی در سال ۱۳۹۸ بررسی اثر نابرابری جنسیتی بر رشد و بهره‌وری اقتصادی در کشورهای آسیایی را مورد مطالعه قرار دادند. روش پژوهش پانل دیتا است. نتایج این بررسی نشان‌دهنده است نابرابری جنسیتی تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری کل در کشورهای آسیایی داشته است. در حالی که، شاخص توسعه جنسیتی بر متغیرهای مذکور اثر مثبت و معنا دار داشته است. به علاوه، رشد نیروی کار، رشد سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری کل در کشورهای آسیایی دارد (زمانی، ۱۳۹۸).

صفری، دانش، سفیری و فخرایی در سال ۱۳۹۷ بررسی تبیین نابرابری جنسیتی در سازمان‌های مردم‌نهاد استان آذربایجان شرقی پرداخته‌اند. چارچوب نظری پژوهش رویکردهای تعامل‌گرایی و فمینیسم، روش آن پیمایشی و ابزار آن پرسشنامه است. جامعه آماری شامل زنان شهری حداقل ۲۵ سال، با تحصیلات عالی و بیکار است. حجم نمونه ۳۷۱ نفر زن و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای-سه‌میه‌ای است. تحلیل همبستگی نیز نشان می‌دهد میزان رابطه متغیرهای جنسیت و مردسالاری با ناتوانی زنان در تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد یا عضویت در آن‌ها به ترتیب ۰/۴۸ و ۰/۳۶ است. متغیر جنسیت در مقایسه با متغیر مردسالاری، همبستگی بالاتری با مسئله پژوهش دارد و رابطه‌ها مستقیم و معنادار است. براساس این یافته‌ها هرچقدر انتظارات اجتماع از نقش‌های جنسی زنان بیشتر، و مردسالاری در فرهنگ و سنت قوی‌تر باشد زنان بیشتر در تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد یا عضویت در آن‌ها ناتوان هستند، همچنین براساس تحلیل رگرسیون متغیرهای جنسیت و مردسالاری ۲۶ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند (صفری، دانش، سفیری و فخرایی؛ ۱۳۹۷).

آصف در سال ۱۳۹۶ به طراحی الگوی توسعه فرهنگی استان گیلان با تأکید بر نقش محوری رسانه‌های محلی پرداختند. این پژوهش با روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) بوده و برای همین منظور پس از بررسی وضعیت توسعه فرهنگی استان گیلان به شیوه اکتشافی و تحلیل اسنادی، به کمک روش تحلیل محتوای کیفی و انجام مصاحبه با خبرگان استانی، الگوی اولیه مفهومی طراحی شد. سپس به کمک روش کمی تحلیل عاملی و توسط پرسشنامه محقق ساخته این الگو مورد آزمون قرار گرفت. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله برفی تعداد ۱۴ نفر از خبرگان استانی، اصحاب رسانه و مدیران دارای تجربه در حوزه رسانه‌های محلی و اعضای هیأت علمی رشته‌های مرتبط مورد مصاحبه‌های عمیق قرار گرفتند. سپس در بخش دوم به کمک روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۷۳ پرسشنامه بین نمونه آماری منتخب توزیع شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رسانه‌های محلی از طریق کارکردهای تخصصی خود می‌توانند در پیشبرد مؤلفه‌های توسعه فرهنگی نظیر فعالیت‌های فرهنگی، آداب و رسوم فرهنگی و ارتباطات و مبادلات فرهنگی ایفای نقش نمایند (آصف، ۱۳۹۶).

احدی در سال ۱۳۹۶ طراحی و تبیین مدل توسعه فرهنگی اجتماعی پایدار ورزش همگانی ایران را مورد بررسی قرار دادند. همچنین مطالعات نشان می‌دهند که هرچند شرکت در ورزش همگانی و توسعه سبک زندگی فعال مهم است و بخش وسیعی از

کشورها به دنبال دستیابی به آن هستند، اما دانش مربوط به آن در بحث توسعه پایدار فرهنگی و اجتماعی بدون مطالعه باقی مانده است بنابراین فقدان مدل‌های قابل اتکا در ورزش و به‌ویژه ورزش همگانی در ایران محقق را بر آن داشت تا به دستیابی به مدل توسعه فرهنگی و اجتماعی پایدار ورزش همگانی ایران اهتمام ورزد. چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای مدل کیفی توسعه فرهنگی و اجتماعی پایدار ورزش همگانی ایران است و به‌منظور تدوین مدل کیفی با راهبرد پژوهشی نظریه داده بنیاد به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرداخته خواهد شد و مدل توسعه پایدار ورزش همگانی ایران در قالب دو سطح فرهنگی و اجتماعی تدوین خواهد شد (احدی، ۱۳۹۶).

پناهی، محمدحسین در سال ۱۳۹۴، در مقاله توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به این نتایج دست یافتند ربع پایانی قرن بیستم با پدیده چرخش فرهنگی، به همراه پدیده پسامدرنیته و پساساختارگرایی، هم در بعد واقعیت اجتماعی و هم در بعد تحلیل اجتماعی، مصادف بوده است. این چرخش نشان دهنده فهم درست‌تر و عمیق‌تر از نقش و قدرت فرهنگ در انواع ساحت‌های زندگی بشری و تحلیل اجتماعی است، که مدتها تحت الشعاع عامل اقتصادی قرار گرفته بود. بدین معنی توسعه عرصه‌های گوناگون جامعه باید توسعه‌ای مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی و یا به معنای دقیق کلمه «توسعه فرهنگی» باشد، تا تلاش‌های کشور در جهت پیشرفت اسلامی ایرانی مقرون با موفقیت گردد (پناهی، ۱۳۹۴).

اگبولنو و دیگران (۲۰۱۸) به بررسی نابرابری جنسیتی و رشد اقتصادی در نیجریه پرداخته است. یافته‌ها این را نشان می‌دهد که نرخ ثبت نام در مدرسه‌های پسرانه و نرخ اشتغال زنان تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی نیجریه دارند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، توصیه می‌شود که مسأله برابری جنسیتی به طور جدی مورد توجه قرار بگیرد، اگر کشور نیجریه بخواهد به رشد پایدار که موجب تحول ساختار اقتصادی آن میشود دست پیدا کند، دولت نیاز به سرمایه‌گذاری در سیاست‌های هدفمند برای ارتقا استاندارد آموزش و پرورش، ایجاد فرصت‌های شغلی و مهمتر از همه موانع ایجاد نابرابری جنسیتی در دسترسی به اشتغال، آموزش و پرورش را کاهش دهد؛ طوری که به بهره‌وری مطلوب برسند.

نایف الشمری (۲۰۱۷) در مطالعه خود به بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی در مناطق عربی پرداخته است. نمونه آماری شامل ۱۹ کشور برای دوره ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۴ است. مدل با استفاده از روش OLS و تکنیک‌های ثابت، بیانگر این است که؛ نشانه‌ای از نابرابری جنسیتی در آموزش و در نیروی کار وجود ندارد که مانع رشد اقتصادی در مناطق عربی شود. در واقع یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که عوامل اصلی رشد اقتصادی در مناطق عربی، انباشت سرمایه و رشد جمعیت است.

این‌دال کاجو بایه (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان نقش توانمندسازی زنان و دستیابی به برابری جنسیتی در توسعه پایدار کشور ایتوپی چنین عنوان می‌کند که نقش زنان در ابعاد مختلف توسعه پایدار کمتر در این کشور مورد توجه قرار گرفته است؛ و حوزه سیاسی کشور نیز به وضوح، تنها متعلق به مردان است. بنابراین جایگاه زنان در جامعه کمترین کمک را به توسعه اجتماعی کشور می‌کند. علاوه بر این، حقوق زنان برای محافظت از زنان برای مشارکت در موضوعات مختلف کشورشان به طور مناسب حمایت نمی‌شود و به نقض خشونت‌بار مبتلا می‌شود. کاجو نتیجه گرفت توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی موجب می‌شود که زنان بتوانند نقش خود را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی بازی کنند. این واقعیت که زنان نیمی از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و توانمندسازی آنها به عنوان بخشی فعال در ابتکارات توسعه کشور اهمیت دارد، یک امر غیر قابل انکار است.

جایاچان دران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان ریشه‌های نابرابری جنسیتی در کشورهای در حال توسعه نشان داده است که شکاف‌های جنسیتی در حوزه‌های مختلف در کشورهای در حال توسعه زیاد است. او با تأکید بر تأثیر هنجارهای فرهنگی نظیر پدر سالاری بر نابرابری جنسیتی، سه عنصر اصلی در مسیر پیشرفت و توسعه معرفی می‌کند: رشد بخش خدمات، پیشرفت‌های تکنولوژیکی تولید در خانه و کاهش خطر زایمان. به عقیده دران این سه عنصر، مشارکت زنان در جامعه را به عنوان نیروی کار افزایش داده و باعث افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی دختران و افزایش استقلال شخصی زنان می‌شوند.

فریدا ایک و اکسمون (۲۰۱۵) در تحقیقی تحت عنوان نابرابری جنسیتی در خانواده و سلامت زنان با هدف تقسیم نابرابر وظایف خانگی و نتایج سلامت با روش پیمایش روی ۸۳۷ زن در سوئد که به صورت تمام وقت کار می‌کردند انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد زنانی که تقسیم نابرابر وظایف خانگی دارند، در معرض استرس، خستگی، علائم فیزیکی - روانشناختی و درگیری‌های خانوادگی بیشتری نسبت به زنانی که تقسیم برابر وظایف خانگی دارند قرار دارد.

شستری (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان نابرابری جنسیتی و تبعیض زنان در هند پرداخت و به این نتایج دست یافت که تبعیض تحت تاثیر هنجارها، سنت‌های فرهنگی، مذهب و منطقه وجود دارد. از لحاظ فیزیکی، وظیفه زن مراقبت از کودکان و خانواده است و از طرف دیگر وظیفه مرد تامین معاش خانواده و کسب درآمد است. همه این تفکرات، زنان را ضعیف‌تر و محروم از چیزهای اساسی می‌کند.

پژوهش‌های انجام شده داخلی پیرامون موضوع، عمدتاً به بررسی نابرابری جنسیتی در حیطه‌های اقتصادی و آموزشی پرداخته‌اند و نیز جامعه آماری مورد مطالعه شان، محدود به قشر محدودی است و کمتر به قشر دانشجویان رجوع شده است تا دیدگاه شان مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در پژوهش‌های مربوط به توسعه فرهنگی، غالباً عوامل موثر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. ضمن اینکه پژوهش‌های خارجی، با توجه به مقتضیات آن جوامع انجام شده و شاخص‌های مربوط به توسعه فرهنگی و نابرابری جنسیتی در آن جوامع بطور کامل منطبق با شرایط و مقتضیات فرهنگی، اجتماعی و در کشور ما نیست که در این زمینه نیاز به بومی سازی شاخص‌ها می‌باشد. با مطالعه و بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان به این جمع بندی رسید که موضوع مطرح در این پژوهش و پرداختن به آن ضروری است.

چارچوب نظری پژوهش

برای چارچوب نظری در این پژوهش با توجه به متغیرهای مورد استفاده از نظریه‌های مرتبط استفاده شده است که در ذیل به طرح آنها پرداخته می‌شود:

از دیدگاه جورج ریتزر چهار مضمون، شاخص‌های نظریه‌های نابرابری جنسیتی را تشکیل می‌دهند. نخست اینکه، زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت‌های نابرابر نیز قرار گرفته‌اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی جای دارند، از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقق کمتری برخوردارند. این جایگاه اجتماعی می‌تواند بر طبقه، نژاد، شغل، قومیت، دین، آموزش و ملیت یا هر عامل مهم دیگر اجتماعی مبتنی باشد. دوم این که، این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ تفاوت مهم زیست شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نظریه‌ی نابرابری این است که هر چند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌هایشان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، نابرابری جنسی از آن جا ناشی می‌شود که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردارند، درحالی که هر دو در این نیاز سهیم هستند. بر اساس چهارمین مضمون، همه‌ی نظریه‌های نابرابری فرض را بر این می‌نهند که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر ساختارها و موقعیت‌های برابانه تر، واکنشی آسان و طبیعی نشان دهند؛ به عبارت دیگر، آنها بر این عقیده اند که دگرگون کردن موقعیت زنان امکانپذیر است (ریتزر، ۱۳۸۲: ۴۷۴).

دیدگاه پی‌یر بوردیو: بوردیو در کتاب خود سلطه مردانه رهیافت جدیدی برای نظریه پردازی و تحقیق در مورد نابرابری جنسیتی ارائه می‌کند. از نظر بوردیو شناخت تاریخی سازوکارهایی که باعث تلقی تفاوت‌های جنسی به عنوان پدیده‌هایی غیر تاریخی و ابدی شده اند بسیار ضروری است، همان گونه که شناخت نهادهایی که به باز تولید نابرابری جنسیتی منجر می‌شود اهمیت دارد. اگرچه نقش خانواده در آموزش این نابرابری‌ها مبذول شده است اما باید نقش نهادهائی نظیر مذهب، مدرسه و دولت هم در نظر گرفته شود. بوردیو بر اهمیت نقش جامعه‌پذیری در شکل‌گیری تعاریف جنسیتی و خشونت نمادین که توجیه‌کننده‌های

اصولی نابرابری جنسیتی هستند، تأکید می‌کند. از اساسی‌ترین آموخته‌های هر فرد در جریان جامعه‌پذیری جنسیتی، نقش‌های جنسیتی مناسب و شیوه‌های ایفای آن است. از نظر بورديو نوعی علیت چرخشی در نظام نابرابری جنسیتی جوامع مدرن وجود دارد؛ به طوری که ساختارهای عینی اجتماعی، باورهای فردی را شکل می‌دهند و افراد بر پایه‌ی این باورها به گونه‌ای عمل می‌کنند که نظم اجتماعی جنسیتی تقویت می‌شود (متقی، ۱۳۹۸؛ به نقل از هال، ۲۰۰۲: ۳۵).

بورديو بازتولید نابرابری جنسیتی را با مفهوم عادت واره و میدان مطرح می‌کند. مفهوم عادت واره از دیدگاه او نوعی آمادگی عملی و آموختگی ضمنی است. عادت واره نوعی تربیت یافتگی اجتماعی از سنخ ذوق و سلیقه است که به عاملان اجتماعی این امکان را می‌دهد که روح قواعد، آداب، جهت‌ها، ارزش‌ها، روش‌ها و دیگر امور حوزه‌ی (میدان) خاص خود (میدان علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی و ...) را دریابند درون آن پذیرفته شوند؛ جاییافتند و منشأ اثر گردند (بورديو، ۱۳۸۰: ۱۶). نخستین نمونه‌های نابرابری جنسیتی را نیز در خانواده تجربه می‌کند. روابط پدر و مادر و سهم بری آنها از سرمایه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی، تصویری عینی از روابط زن و مرد و تقسیم سرمایه بین آنها در ذهن کودک ایجاد می‌نماید. اگر بهره‌مندی زن و مرد از امکانات مختلف نابرابر باشد، به مرور این تصویر ذهنی در کودکان شکل می‌گیرد که نابرابری جنسیتی امری طبیعی است. از سوی دیگر، اگر زن خانواده باورهای قالبی جنسیتی را پذیرفته باشد، دو پیامد مهم به همراه خواهد داشت؛ نخست، موجب می‌شود زن موقعیت فرودست خود و سهم بری نابرابر از امکانات موجود را بپذیرد و پیامد دوم نیز آن است که مادر که مهم‌ترین کارگزار جامعه‌ی پدری تلقی می‌شود، این باورها را به نسل‌های آتی منتقل می‌کند. هر دو پیامد فوق، موجب استمرار و بازتولید نابرابری در خانواده و به دنبال آن، در جامعه می‌شوند. بورديو معتقد است مجموعه‌ی این سرمایه‌ها، موقعیت اجتماعی و طبقه‌ی فرد را مشخص می‌کند. اگر قشر بندی جنسیتی را به درون روابط خانوادگی بیاوریم، می‌توانیم با تعیین میزان سهم بری هر یک از زوجین از سرمایه‌های مختلف، موقعیت وی را مشخص سازیم. در واقع نحوه‌ی سهم بری افراد از این سرمایه‌ها، میزان نابرابری جنسیتی را مشخص می‌کند (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰؛ به نقل از بورديو، ۱۳۸۰).

از دید بلومبرگ نابرابری جنسیتی در سطوح مختلف وجود دارد؛ روابط مردان و زنان در خانواده‌ها، اجتماعات محلی و دولت‌ها. لایه‌بندی جنسیتی بلومبرگ بر میزان کنترل زنان بر ابزار تولید، و مقدار تخصیص مازاد تولیدی (یا در اصطلاح مارکسیستی ارزش افزوده) به آنان نسبت به مردان است. این کنترل بر منابع اقتصادی به زنان قدرت اقتصادی می‌دهد که این قدرت بر قدرت سیاسی، منزلتی و منابع دیگر لایه بندی تأثیر می‌گذارد. بلومبرگ معتقد است که قدرت اقتصادی زنان نسبت به مردان افزایش می‌یابد و احتمال دارد که مردان این دگرگونی‌ها را تهدید علیه خود بدانند و به طور فیزیکی و سیاسی جلوی تلاش‌های زنان را برای دست‌یابی به قدرت برابر بگیرند. بنابراین همچنان که قدرت اقتصادی زنان به گونه‌ای نسبی افزایش می‌یابد، این امر به افزایش نفوذ سیاسی آنان می‌انجامد که در صورت در هم شدن این دو، مردان از خود واکنش نشان می‌دهند و در حقیقت خشونت مردان علیه زنان آغاز می‌شود. بنابراین به دست آوردن و کنترل قدرت اقتصادی، کنترل ابزار تولید و تخصیص دست‌آوردهای تولید، شرایطی بحرانی است که بر جایگاه زنان در نظام لایه بندی جامعه اثر می‌گذارد (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۳۳).

چافتر معتقد است عوامل گوناگونی باعث دگرگونی قشر بندی جنسیتی می‌گردد، که این عوامل در دراز مدت موجب ایجاد فرصت‌های مناسبی برای قشرهای گوناگون از جمله زنان در یک جامعه می‌گردد. عواملی همچون دگرگونی‌های فن‌آورانه، تغییرات جمعیتی، تحولات سیاسی، اقتصادی که فشارهایی را بر نظام نابرابری جنسیتی موجود وارد می‌کنند، چافتر خود این دگرگونی‌ها را فرایند دگرگونی غیر عمدی می‌نامد.

چافتر به دو نوع نیروی انسانی که فشارهای بنیانی و مهم را به کل نظام قشر بندی وارد می‌کند اشاره می‌کند. وی معتقد است این دو نیرو منجر به حفظ یک نظام نابرابر جنسیتی می‌گردند.

این دو نیرو عبارت است از: الف- نیروهای اجباری ب- نیروهای اختیاری

الف- نیروهای اجباری نابرابری جنسیتی: چافتر معتقد است که قشربندی نهایتاً به تقسیم کار در جامعه مربوط می‌شود. اگر این تقسیم کار بر حسب جنس باشد مردان بیشتری از زنان دریافت می‌کنند، و این مزیت منابع مادی به تفاوت‌هایی در قدرت بین مردان و زنان می‌انجامد. بیشتر مردان یک مزیت قدرت مادی نسبت به همسرانشان دارند و از این قدرت در روابطشان با همسرانشان استفاده می‌کنند و در نتیجه بیشتر احتمال دارد که همسرانشان بیشتر از آنها اطاعت کنند. بنابراین تقسیم کار بیشتر به نفع مردان است. هنگامی که مردان امتیازاتی را در نتیجه این تقسیم کار کسب می‌کنند احتمال زیادی دارد، که مناصب مهم را که در آن منابع قدرت وجود دارد بر عهده گیرند، هر چه مردان بیشتر این موقعیتهای کاری را به دست آورند قدرت و نقششان در بیرون از خانه نسبت به زنان بیشتر می‌شود. در نتیجه به دست آوردن این مشاغل، مردان از امتیازات خاص برخوردار می‌شوند که به موجب آن مزیت، مردان در رقابت با زنان برای آن موقعیت‌هایی که منابع مادی و قدرت را بر حسب جنس تقسیم کرده است حفظ می‌شود. این فرایند ادامه می‌یابد زیرا مردان موقعیت‌های برتر را در جامعه در دست دارند. بنابراین تعاریفی که به سود مردان است حفظ می‌شود. این تعاریف به کاستن ارزش کار زنان در درون و بیرون از خانه منجر می‌شود. برای مثال کار خانگی یک زن بدون دستمزد بوده و نقشهای مرسوم از قبیل منشیگری، پرستاری و ... برای زنان در نظر گرفته می‌شود، زیرا آنها نمی‌توانند نقش‌های شان را با همان ارزشی که مردان انجام می‌دهند ایفا کنند.

ب- پایه‌های داوطلبانه نابرابری جنسیتی: اغلب تقسیم کار اقتصادی، توزیع تعهدات در موقعیت‌های نخبگان و تعاریف فرهنگی یک جامعه سوگیری جنسیتی را آشکار می‌سازند. بسیار احتمال دارد که اعضای نسل بزرگان شاهد تفاوت‌های جنسیتی در فعالیت‌های کاری و خانگی شان باشند در نتیجه بزرگسالان مدل‌های نقش و عناصر اجتماعی فعال برای نسل بعدی را در رفتارهایشان نشان می‌دهند، همچنین انتظارات برای آینده و تعاریف واقعی و متناسب را بوجود می‌آورند. به میزانی که پذیرش نقش در قشربندی جنسیتی توسط خانواده و دیگر عوامل جامعه پذیری رخ می‌دهد افراد به طور داوطلبانه به شیوه‌هایی عمل می‌کنند، که موجب تداوم تقسیم کار بر حسب جنسیت و تعاریف فرهنگی مرسوم، در مورد تفاوت‌های بین مردان و زنان می‌شود و تفاوت‌های جنسیتی موجود در سطوح مختلف بین مردان و زنان باز تولید می‌شود. ایده اساسی که چافتر عنوان می‌کند یک فهرست نظام مند از طرح‌ها و یک سری از مدل‌های علی را نشان می‌دهد، که هسته‌ی مرکزی بحث وی را در مورد حفظ نابرابری جنسیتی در قشربندی می‌سازد. در عین حال چافتر عنوان می‌کند که هرگاه نیروهای حفظ و دوام یک نظام کشف شوند، علایم انتقادی برای تغییر هم تشخیص داده می‌شوند.

هریسون برای تبیین بعد فرهنگی توسعه ده ارزش، نگرش یا مجموعه‌ی ذهنی را برمی‌شمرد و از این رهگذر فرهنگ‌های پیشرفته را از فرهنگ‌های ایستا مجزا می‌کند. این ده ارزش عبارتند از:

- ۱- جهت‌گیری نسبت به زمان: تأکید فرهنگ‌های پیشرفته بر آینده است در حالیکه فرهنگ‌های ایستا بر زمان حال یا گذشته تأکید دارند.
- ۲- کار: در فرهنگ‌های پیشرفته، کار امری محوری برای زندگی است، اما در فرهنگ‌های ایستا کار یک امری اجباری و تحمیلی به حساب می‌آید.
- ۳- صرفه‌جویی: در فرهنگ‌های پیشرفته صرفه‌جویی مادر سرمایه‌گذاری است، اما در فرهنگ‌های ایستا صرفه‌جویی تهدیدی برای برابری طلبی جامعه به حساب می‌آید.
- ۴- آموزش: در فرهنگ‌های پیشرفته آموزش کلید توسعه است، در حالیکه در فرهنگ‌های ایستا آموزش تنها در میان نخبگان مهم تلقی می‌شود.
- ۵- شاخص پیشرفت: در فرهنگ‌های پیشرفته شایستگی شاخص پیشرفت است، اما در فرهنگ‌های ایستا این خانواده و رابطه مندی است که شاخص پیشرفت محسوب می‌شود

- ۶- دامنه اعتماد: در فرهنگ‌های پیشرفته دامنه اعتماد وسیع است و شناسایی و اعتماد در حد گسترده‌ای وجود دارد، حال آنکه در فرهنگ‌های ایستا شعاع اعتماد از مرز خانواده فراتر نمی‌رود و خانواده بر اجتماع احاطه دارد.
- ۷- اخلاق: در فرهنگ‌های پیشرفته کدهای اخلاقی انعطاف پذیراند، اما در فرهنگ‌های ایستا کدهای اخلاقی دقیق و سختگیر هستند.
- ۸- عدالت: در فرهنگ‌های پیشرفته انتظارات غیر شخصی و جهان شمول اند، اما در فرهنگ‌های ایستا عدالت به افراد مورد شناخت و مبلغ قابل پرداخت (رشوه) وابسته است.
- ۹- اقتدار: در فرهنگ‌های پیشرفته اقتدار پراکنده است و ساختاری افقی دارد، در حالیکه در فرهنگ‌های ایستا اقتدار متمرکز است و ساختاری عمودی (از بالا) دارد.
- ۱۰- دنیوی شدن: در فرهنگ‌های پیشرفته تاثیر دین بر زندگی مدنی اندک است، اما در فرهنگ‌های ایستا دین تاثیر تعیین کننده‌ای بر زندگی مدنی دارد. در جوامع و فرهنگ‌های پیشرفته دگر اندیشی و در جوامع و فرهنگ‌های ایستا راست کیشی و پیروی کردن تبلیغ می‌شود (هریسون، ۲۰۰۰).

گروندونا نیز همانند هریسون در پی بررسی ویژگی‌های فرهنگی جوامع پیشرفته و توسعه نیافته است. در این مسیر، وی میان دو دسته از ارزش‌های فرهنگی تمایز می‌گذارد: ارزش‌های ذاتی و ارزش‌های ابزاری. در این تقسیم بندی، ارزش‌های ذاتی ارزش‌هایی هستند که در آنها مسئله سود و زیان مطرح نیست. میهن پرستی نمونه‌ای از این ارزش‌هاست. در مقابل، ارزش‌های ابزاری ارزش‌هایی هستند که در آنها سود و منفعت نقش اساسی دارد. گروندونا تمامی ارزش‌های اقتصادی را از جمله ارزش‌های ابزاری معرفی می‌کند، چرا که انسان‌ها پول را به عنوان ابزاری برای رسیدن به برخی از اهداف غیر پولی مانند آسایش، شادی، آزادی، امنیت، دین یا فعالیت‌های بشردوستانه بکار می‌گیرند.

با این وجود، وی بر این باور است که ارزش‌های ابزاری به تنهایی نمی‌توانند در توسعه اثر گذار باشند و پس از موفقیت اقتصادی اثر خود را از دست می‌دهند. از این رو، برای توسعه پایدار ارزش‌های ذاتی ضروری هستند. گروندونا ارتباط توسعه اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی تا حدی می‌داند که معتقد است، میتوان توسعه اقتصادی را یک فرایند فرهنگی تلقی کرد. وی تا آنجا پیش می‌رود که با ارائه تعریفی از اخلاق و انسان اخلاقی، انسانی که ارزش‌های ذاتی جامعه را محقق می‌سازد، بر این باور است؛ هرگاه جامعه‌ای به دنبال دستیابی به توسعه اقتصادی باشد و در این مسیر، به ارزش‌های غیر اقتصادی مناسب با رشد اقتصادی توجه داشته باشد، این توسعه یک پدیده‌ی اخلاقی می‌شود.

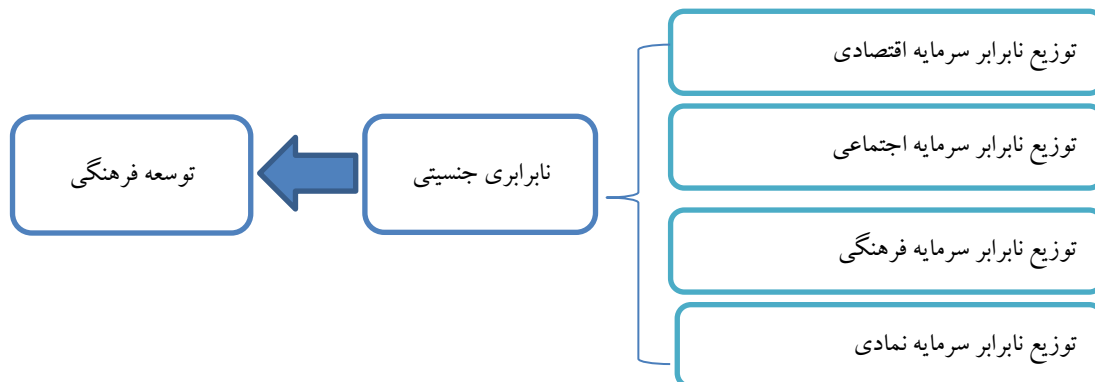
گروندونا بر این باور است که می‌توان ارزش‌های فرهنگی را در الگویی ثابت به "نظام ارزشی" گروه بندی نمود. از نظر گروندونا، یک جامعه‌ی مدرن دارای نظامی آرمانی از ارزش‌های متناسب توسعه است و یک جامعه سنتی نظامی آرمانی از ارزش‌های مانع توسعه را داراست. گروندونا مجدداً تذکر می‌دهد که هیچکدام از این نظام‌های ارزشی به صورت واقعی وجود ندارند و هیچ جامعه‌ای نیست که بصورت کامل تنها درون یکی از این دو نظام قرار داشته باشد. با این حال، برخی از کشورها در پی ارزش‌های مناسب توسعه اقتصادی و برخی دیگر در پی ارزش‌های مانع از آن هستند. نظام‌های ارزشی واقعی معمولاً سیال و تلفیقی هستند. اگر به سمت قطب ارزشی مناسب توسعه سوق یابند، فرصت‌های یک جامعه را برای توسعه افزایش می‌دهند و اگر به قطب مخالف تمایل یابند، فرصت‌های یک جامعه را برای توسعه نابود می‌کنند. مردم معمولاً آن نظامی را برمی‌گزینند که با نظام ارزشی شان سازگار باشد. این موضوع به این نتیجه گیری می‌انجامد که "در تحلیل نهایی، توسعه یا عدم توسعه یافتگی یک جامعه ناشی از شرایط بیرونی نیست، بلکه این خود جامعه است که بواسطه ارزش‌هایش توسعه یا توسعه نیافتگی را برمی‌گزیند".

بر اساس این بحث، گروندونا بر اساس سنخ شناسی هریسون، یک سنخ شناسی از عوامل بیست گانه نظام‌های ارزشی را ارائه می‌دهد که در آن، ارزش‌های فرهنگی پیشرو و عقب مانده مشخص شده‌اند. وی همانند هریسون، در این سنخ شناسی هر عامل فرهنگی را با دوشاخه‌گی فرهنگ موافق توسعه و مانع از توسعه بیان می‌کند. عوامل بیست گانه سنخ شناسی گروندونا عبارتند از:

موضوع	نوع جهت گیری		موضوع	نوع جهت گیری	
	فرهنگ مخالف توسعه	فرهنگ موافق توسعه		فرهنگ مخالف توسعه	فرهنگ موافق توسعه
مذهب	عامیانه	زاهدانه	فضیلت	سنتی	کوچکتر (نظم و وقت شناسی)
اعتماد	بی اعتمادی	اعتماد بالا	زمان	گذشته و آینده دور	آینده ی نزدیک
دستور اخلاقی	دو دوییای متفاوت اخلاقی/ریاکارانه	پیروی از قوانین و هنجارها	عقلانیت	غیر عقلانی	عقلانی
مفهوم ثروت	بهره گیری از منابع موجود	بهره گیری از نوآوری	اقتدار	قدرت فراقانونی	قدرت قانونی
رقابت	مردود	پذیرفته شده	جهان بینی	جهان یک هستی وسیع با نیروهای ناشناخته است	جهان محل کنش انسان است
عدالت	توزیع و مصرف فعلی	توجه به منافع نسل های آینده	زندگی	فرد تسلیم زندگی است	فرد سازنده زندگی است
ارزش کار	کم	بالا	رستگاری	ترک دنیا	تلاش در دنیا
بدعت و نوآوری	سرکوب می شود	ترغیب می شود و منشا توسعه است	آرمانشهر	رشد سریع و دور از دسترس	رشد تدریجی و دراز مدت
آموزش	شستشوی مغزی است	ابراز کشف حقیقت است	ماهیت خوشبینی	آرزوهای بزرگ	برآورده سازی نیازهای واقعی
بهره مندی	اتکا به خیالات و اوهام	اتکا به نظریات اثبات شده	دموکراسی	مطلق گرایی	توزیع قدرت

منبع: گروندونا، ۲۰۰۰: ۵۳.

نکته آخر اینکه بنابر پشتوانه نظری این تحقیق برای نابرابری جنسیتی از نظریه‌های ریتزر، بوردیو، چافتز و بلومبرگ استفاده شده است که متغیرهای آن توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی، توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی، توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی و توزیع نابرابر سرمایه نمادی می‌باشد. برای توسعه فرهنگی از نظریه هریسون و گروندونا استفاده شده است که متغیرهای مورد مطالعه مذهب، اعتماد، تلقی از ثروت، تلقی از رقابت، عدالت، ارزش کار، نوآوری و خلاقیت، تلقی از فضیلت، نگرش به زمان، عقلانیت، تلقی از اقتدار، جهان بینی، نگرش به زندگی، رستگاری، آرمانشهری، ماهیت خوشبینی، دموکراسی می‌باشد که بر اساس چارچوب نظری، مدل نظری مطرح می‌شود



شکل شماره ۱- مدل نظری

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی در توسعه فرهنگی تاثیر دارد.
- ۲- توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی در توسعه فرهنگی تاثیر دارد.
- ۳- توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی در توسعه فرهنگی تاثیر دارد.
- ۴- توزیع نابرابر سرمایه نمادی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی در توسعه فرهنگی تاثیر دارد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایشی و از نوع تبیینی است. جامعه آماری تحقیق دانشجویان زن دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران است که تعدادشان ۴۵۷۳۸۱ نفر برآورد شده است. همچنین با توجه به استفاده از طیف لیکرت در پرسشنامه به منظور گردآوری از اطلاعات مورد نیاز و عدم مشخص بودن واریانس اولیه نمونه‌ها ابتدا جهت تعیین حجم نمونه یک مطالعه مقدماتی با توزیع تعداد ۴۰ پرسشنامه در بین جامعه آماری، نسبت به تعیین میانگین و انحراف معیار پاسخ‌ها طبق جدول زیر اقدام گردید:

جدول ۱- تعیین میانگین و انحراف معیار

Descriptive Statistics					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
pretest	۴۰	2	4	2.62	.997
Valid N (listwise)	۴۰				

که با توجه به نتایج آمار توصیفی بدست آمده میانگین نمرات برابر ۲/۶۲ و انحراف معیار بدست آمده برابر ۰/۹۹۷ می‌باشد. همچنین اگر سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطا ۰/۰۵ و دقت برآورد ۰/۱۰ در نظر گرفته شود، حجم نمونه طبق فرمول زیر برابر است با:

$$\left[\frac{1.96}{0.10} \right]^2 = 382 \qquad n = \left(\frac{zs}{d} \right)^2$$

حجم نمونه ۳۸۲ نفر بدست آمد و روش نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، متناسب با حجم و تصادفی ساده است.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته و ابزار تکمیلی مصاحبه است. اعتبار استفاده شده در این پژوهش، اعتبار صورتی^۱ است. در این تحقیق برای سنجش قابلیت اعتماد^۲ پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به اینکه ضریب آلفای شاخص‌های این پژوهش، بالای ۰/۷۰ به دست آمد؛ لذا گویه‌های طراحی شده، دارای قابلیت اعتماد (پایایی) است.

جدول ۲- پایایی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	مقدار آلفا
توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی	۰/۷۹
توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی	۰/۸۲

^۱ Face validity

^۲ Reliability

متغیرها	مقدار آلفا
توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی	۰/۶۹
توزیع نابرابر سرمایه نمادی	۰/۸۹
توسعه فرهنگی	۰/۷۸
آلفای کروناخ کل	۰/۸۱

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها:

نابرابری جنسیتی

تعریف نظری: نابرابری جنسیتی عبارت است از توزیع نابرابر سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، نمادی و اجتماعی) بین دو جنس. بر این اساس، جایگاه عاملان در هر حوزه به وزن نسبی سرمایه‌هایی که به همراه خود به فضای اجتماعی موجود می‌آورند، بستگی دارد (بورديو، ۱۳۹۵: ۴۶۸).

تعریف عملیاتی: برای سنجش هر یک از مؤلفه‌ها، شاخص‌های سرمایه‌ی اقتصادی، اجتماعی، نمادی (قدرت) و فرهنگی تهیه شد.

نابرابری اقتصادی با تکیه بر شاخص‌هایی که مالکیت افراد را می‌سنجند، بررسی شده است. برای ساخت این شاخص از سنجه‌هایی چون درآمد مستقل، اشتغال، مالکیت ملک و اتومبیل، حساب بانکی گرفته ایم. این شاخص مشتمل بر ترکیب ۵ سنجه و به صورت پاسخ چندجوابی است. پس از جمع نمرات ستون زنان و مردان به صورت جداگانه، تفاضل این دو تجمیع نشان دهنده میزان نابرابری است؛ به گونه‌ای که اگر حاصل تفاوت مثبت باشد، نابرابری به نفع زنان و اگر منفی باشد، نابرابری به ضرر زنان است.

نابرابری اجتماعی با توجه به شاخص‌هایی که مشارکت افراد را می‌سنجند، بررسی شده است. این شاخص از ترکیب ۶ سنجه و به صورت پاسخ بلی - خیر ساخته شده است. نمونه‌ای از گویه‌های مورد استفاده عبارتند از: عضویت در تعاونی‌ها و شورای صنفی، احزاب سیاسی، انجمن‌های اسلامی، هیأت‌های مذهبی، صندوق‌های قرض الحسنه و ...

نابرابری نمادی نیز با تکیه بر شاخص‌هایی که قدرت افراد را در نظر می‌گیرند، بررسی گردیده است. برای ساخت این شاخص از سنجه‌هایی چون تصمیم‌گیری درباره‌ی محل سکونت، آرایش و تزئین منزل، مسائل فرزندان، خریدهای اساسی، تحصیل و ... استفاده شده است. برای تعیین میزان نابرابری سرمایه‌های نمادین به پاسخ هر دو صفر امتیاز، به پاسخ شوهر یک امتیاز و به پاسخ زن دو امتیاز داده ایم و پس از جمع نمرات ستون زنان و مردان به صورت جداگانه، تفاضل این دو تجمیع نشان دهنده‌ی میزان نابرابری است؛ به گونه‌ای که اگر حاصل تفاوت مثبت باشد، نابرابری به نفع زنان و اگر منفی باشد، نابرابری به ضرر زنان است.

نابرابری فرهنگی بر اساس شاخص‌های مربوط به مصرف وسایل فرهنگی بررسی شده است. برای ساخت این شاخص، سنجه‌هایی چون استفاده از رادیو و تلویزیون، اینترنت، کتاب، روزنامه و مجلات مورد استفاده قرار گرفته است. این شاخص از ترکیب ۵ گویه و به صورت بلی - خیر ساخته شده است. برای سنجش میزان سرمایه‌ی فرهنگی به پاسخ بلی یک امتیاز و به پاسخ خیر صفر امتیاز داده ایم. و پس از جمع نمرات ستون زنان و مردان به صورت جداگانه، تفاضل این دو تجمیع نشان دهنده‌ی میزان نابرابری است؛ به گونه‌ای که اگر حاصل تفاوت مثبت باشد، نابرابری به نفع زنان و اگر منفی باشد، نابرابری به ضرر زنان است.

توسعه فرهنگی

تعریف نظری: توسعه فرهنگی عبارت از رشد آگاهی‌ها، قابلیت‌ها و امکانات هر قوم و ملت جهت برآوردن نیازهای مادی و معنوی است، درحالی که توجه خاصی به عناصر فرهنگی شده است که در فرهنگ عمومی وجود دارد و دارای کارکرد مثبت می‌باشد (منافی و زمانی، ۱۳۹۱). توسعه فرهنگی از مهمترین وجوه توسعه پایدار است و علیرغم این که تحت الشعاع رکن اجتماعی توسعه پایدار قرار گرفته است، نباید از اهمیت بنیانی آن غافل شد. چون فرهنگ مانند چتری بر سر کلیه نهادهای اجتماعی (حکومت، دین، اقتصاد، علم، خانواده، آموزش) در زندگی روزمره اثرات خود را بر جای می‌گذارد (شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۹۰).

تعریف عملیاتی: شاخص‌های توسعه فرهنگی که از چارچوب نظری استخراج شده است با آیتم‌های زیر سنجش می‌شود: مذهب، اعتماد، تلقی از ثروت، تلقی از رقابت، عدالت، ارزش کار، نوآوری و خلاقیت، تلقی از فضیلت، نگرش به زمان، عقلانیت، تلقی از اقتدار، جهان بینی، نگرش به زندگی، رستگاری، آرمانشهری، ماهیت خوشبینی، دموکراسی.

یافته‌های پژوهش

سیمای پاسخگویان

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که در بین جمعیت نمونه پژوهش. میانگین سنی پاسخگویان مورد بررسی ۳۲/۲۵ سال است. ۶۵ درصد پاسخگویان در مقطع کارشناسی؛ ۵۸ درصد پاسخگویان مجرد؛ ۵۱ درصد پاسخگویان غیرشاغل می‌باشند. میانگین درآمدی در خانواده‌ی ۳۸۲ پاسخگوی مورد بررسی ۵۸۳۰۰۰۰ تومان می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

● برآورد آزمون نرمال بودن متغیرها (KS)

جدول ۳- برآورد آزمون نرمال بودن متغیرها (KS)

ردیف	متغیرها	مقدار	سطح معنی داری
۱	توسعه فرهنگی	۱/۰۴۵	۰/۳۱۸
۲	نابرابری جنسیتی (نابرابری نمادی)	۱/۵۲۴	۰/۰۷۵
۳	نابرابری جنسیتی (نابرابری اجتماعی)	۱/۳۲۲	۰/۲۱۴
۴	نابرابری جنسیتی (نابرابری فرهنگی)	۱/۰۹۶	۰/۰۹۷
۵	نابرابری جنسیتی (نابرابری اقتصادی)	۱/۷۶۷	۰/۳۲۱

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای متغیرهای مستقل ابعاد چهارگانه نابرابری جنسیتی در بعد نمادی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز متغیر وابسته توسعه فرهنگی معنادار نیست زیرا مقدار آن‌ها بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین دارای توزیع نرمالی است و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای آن استفاده کرد.

● تحلیل رگرسیون چند متغیره

در این بخش متغیرهای توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه نمادی و سرمایه فرهنگی (ابعاد نابرابری جنسیتی) به عنوان متغیرهای مستقل و متغیر توسعه فرهنگی را به عنوان متغیر وابسته وارد تحلیل کرده و آزمون رگرسیون چند متغیره اجرا شده است. جدول زیر خلاصه مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴- خلاصه مدل رگرسیونی انجام شده جهت تبیین تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی)

مدل	R	R Square	Adjusted R Square
۱	-۰/۶۲۸	۰/۳۹۴	۰/۳۸۳

مطابق اطلاعات جدول فوق، مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها ۰/۶۲۸- می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش همبستگی قوی معکوس وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰/۳۸۳ است، نشان می‌دهد که ۳۸/۳ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته توسعه فرهنگی پاسخگویان مورد بررسی وابسته به چهار متغیری است که در این معادله وارد شده‌اند. به عبارت بهتر مجموعه متغیرهای مستقل قادر به تبیین یک/چهارم از تغییرات متغیر وابسته توسعه فرهنگی می‌باشند و می‌توانند آن را برآورد کنند.

جدول ۵- خروجی آنوا

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی‌داری
۱ رگرسیون	۱/۲۵۸	۷	۰/۲۸۰	۳۶/۴۲۷	۰/۰۰۰
Residual	۱/۹۳۴	۳۹۲	۰/۰۰۵		
کل	۳/۱۹۲	۳۹۹			

با توجه به معنی‌داری آزمون F (۳۶/۴۲۷ که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی مرکب از چهار متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مدل خوبی بوده است و مجموعه متغیرهای مستقل قادر به تبیین تغییرات متغیر وابسته می‌باشند. اما در جهت سنجش میزان اثرگذاری هر متغیر در جدول و همچنین میزان همبستگی بین آن‌ها به بررسی خروجی سوم حاصل از آزمون انجام شده پرداخته می‌شود.

جدول ۶- تحلیل چندمتغیره: بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته توسعه فرهنگی

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد B	ضریب تأثیر استاندارد Beta	مقدار T	سطح معنی‌داری
مقدار کل	۴/۸۳۴	-	۹/۲۶۴	۰/۰۰۰
توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی (بعد نابرابری جنسیتی)	-۰/۰۰۸	-۰/۶۰۰	-۱۴/۱۴۲	۰/۰۰۰
توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی (بعد نابرابری جنسیتی)	-۰/۰۰۵	-۰/۳۲۳	-۶/۶۸۵	۰/۰۰۰
توزیع نابرابر سرمایه نمادی (بعد نابرابری جنسیتی)	-۰/۰۰۶	-۰/۱۲۴	-۲/۷۹۳	۰/۰۰۲
توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی (بعد نابرابری جنسیتی)	-۰/۰۰۴	-۰/۱۰۸	-۲/۲۳۸	۰/۰۰۳

ستون B در جدول، به منظور پیش بینی مقدار y در معادله رگرسیون مورد استفاده قرار می‌گیرد. ستون t ضرایب تک تک متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد و ستون sig نیز سطح معنی‌داری متغیرها را به ما می‌گوید (کلاتری، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۲).

سطح معنی‌داری بدست آمده از ابعاد نابرابری جنسیتی در بعد توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی (۰/۰۰۰) و توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی (۰/۰۰۰) می‌باشند. که به لحاظ آماری در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. همچنین سطح معنی‌داری بدست آمده از سایر ابعاد نابرابری جنسیتی در بعد توزیع نابرابر سرمایه نمادی (۰/۰۰۲) و توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی (۰/۰۰۳) که به لحاظ آماری در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد. بررسی جهت روابط نشان می‌دهد که چهار متغیر توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی، توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی، توزیع نابرابر سرمایه نمادی، توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی دارای ارتباط منفی و معکوس

می‌باشند. به عبارتی با افزایش توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی، توسعه فرهنگی پاسخگویان کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی، توسعه فرهنگی پاسخگویان کاهش می‌یابد.

در حالیکه با افزایش توزیع نابرابر سرمایه نمادی و سرمایه اقتصادی پاسخگویان مورد بررسی، از میزان توسعه فرهنگی آنها کاسته می‌شود. در ارتباط با اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در معادله‌ی رگرسیونی از مقدار Beta استفاده شده است. زیرا این آماره نشان دهنده‌ی ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین با استفاده از آن، سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص می‌کنیم (حبیب‌پور و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۵۰۰).

مطابق اطلاعات جدول، مقادیر بتا برای متغیر توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی ۰/۶۰۰- بوده و از سایر متغیرهای موجود در جدول بیشتر است. عدد ۰/۶۰۰- نشان می‌دهد که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی، میزان توسعه فرهنگی در فرد به میزان ۰/۶۰۰- انحراف استاندارد کاهش خواهد یافت. در بین چهار متغیر معنی‌دار مورد بررسی، توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی دارای کمترین میزان بتا ۰/۱۰۸- می‌باشد. بدین ترتیب نحوه اثرگذاری متغیرها از بیشتر به کمتر بدین صورت است: توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی، توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی، توزیع نابرابر سرمایه نمادی و توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی.

بر اساس مقادیر ستون Beta معادله رگرسیون مدل رگرسیونی بدین ترتیب است:

$$y = a + b_1 \cdot x_1 + b_2 \cdot x_2 + b_3 \cdot x_3 + \dots + b_n \cdot x_n$$

$$y = 834/4 + 008/0 - (توزیع نابرابر سرمایه) - ۰/۰۰۶ + (توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی) + ۰/۰۰۵ - (توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی) + ۰/۰۰۴ - (توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی) (نمادی)$$

● بررسی مدل تحقیق (تحلیل مسیر)

تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چند متغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیر مستقیم این متغیرها را مد نظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند.

جدول شماره ۷- محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم تاثیر نابرابری جنسیتی بر توسعه فرهنگی

متغیرهای مستقل	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم
توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی (بعد نابرابری جنسیتی)	-۰/۶۰۰	-۰,۰۳۷	-۰,۶۳۷
توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی (بعد نابرابری جنسیتی)	-۰/۳۲۳	-۰,۰۳۵	-۰,۳۵۸
توزیع نابرابر سرمایه نمادی (بعد نابرابری جنسیتی)	-۰/۱۲۴	-۰,۲۶۰	-۰,۳۸۴
توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی (بعد نابرابری جنسیتی)	-۰/۱۰۸	-۰,۱۹۸	-۰,۳۰۶

پس می‌توان اشاره نمود که تحلیل مسیر علاوه بر اینکه تاثیرات مستقیم را مورد سنجش قرار می‌دهد. تاثیرات غیر مستقیم را نیز بررسی نموده است.

متغیرهای که به صورت مستقیم بر متغیر توسعه فرهنگی تاثیر گذار بوده‌اند:

توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی با ضریب رگرسیونی ۰/۶۰۰-، توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۲۳-، توزیع نابرابر سرمایه نمادی با ضریب رگرسیونی ۰/۱۲۴- و متغیر توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی با ضریب رگرسیونی ۰/۱۰۸- به ترتیب بالاترین تاثیر رگرسیونی را روی متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) داشته‌اند.

متغیرهای که به صورت غیر مستقیم بر توسعه فرهنگی تاثیر گذاشته‌اند عبارتند از:

توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی ۰/۰۳۷-، توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی ۰/۰۳۵-، توزیع نابرابر سرمایه نمادی ۰/۲۶۰- و متغیر توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی ۰/۱۹۸-.

بحث و نتیجه گیری

نتایج داده‌های حاصل از پژوهش، تاثیر نابرابری جنسیتی بر توسعه فرهنگی را در موارد زیر خلاصه می‌کند: نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی و توسعه فرهنگی رابطه معنی دار معکوسی وجود دارد؛ به این معنی که هر چه توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی بیشتر باشد به همان نسبت توسعه فرهنگی کاهش می‌یابد. این نتیجه با نظریات بوردیو، پارسونز، اینکلس و اسمیت، لرنر و لیندسای کاملاً مطابقت دارد و نیز منطبق با پژوهش‌های رسلیمان (۱۳۹۹) و فاطمی (۱۳۹۹) و آصف (۱۳۹۶) و جایاچان دران (۲۰۱۵) می‌باشد.

توزیع نابرابر سرمایه نمادی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی با توسعه فرهنگی رابطه معکوس معناداری دارد. به عبارت دیگر در صورتی که سرمایه نمادی به صورت نابرابر توزیع شود به همان نسبت توسعه فرهنگی کاهش می‌یابد. این نتیجه با نظریات گرت، آبوت و والاس، بوردیو، راجرز، اینکلس و اسمیت، لرنر، هریسون کاملاً مطابقت دارد و نیز منطبق با پژوهش‌های جوشقانی (۱۳۹۸) و زارع شحنه (۱۳۹۸) و پناهی (۱۳۹۸) می‌باشد.

توزیع نابرابر سرمایه اقتصادی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی توسعه فرهنگی رابطه معکوس معناداری دارد به عبارت دیگر در صورتی که سرمایه اقتصادی به صورت نابرابر توزیع شود به همان نسبت توسعه فرهنگی کاهش می‌یابد. متغیر درآمد مستقل پاسخگویان و توسعه فرهنگی دارای رابطه‌ای مستقیم است و شدت این رابطه متوسط است. متغیر شاغل بودن پاسخگویان و توسعه فرهنگی دارای رابطه‌ای مستقیم است و شدت این رابطه قوی است. این نتیجه با نظریات ریتزر، بلومبرگ، بوردیو، چافتز، آبوت و والاس و لیندسای کاملاً مطابقت دارد و نیز منطبق با پژوهش‌های قره حسنلو (۱۳۹۹) و زمانی (۱۳۹۸) و زارع شحنه (۱۳۹۸)، افشاری و کاکاوند (۱۳۹۵)، نایف شمزی (۲۰۱۷) می‌باشد.

توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی به عنوان یک بعد از نابرابری جنسیتی با توسعه فرهنگی رابطه معکوس معناداری دارد، به عبارت دیگر در صورتی که سرمایه اجتماعی به صورت نابرابر توزیع شود به همان نسبت توسعه فرهنگی کاهش می‌یابد این نتیجه با نظریات بوردیو، ریتزر، چافتز کاملاً مطابقت دارد و نیز منطبق با پژوهش‌های پناهی (۱۳۹۸) و شکرپیگی (۱۳۹۶)، کاجوبایه (۲۰۱۶) و دوفلو (۲۰۱۰) می‌باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده به میزانی که پاسخگویان از حق انتخاب‌های متعدد برخوردار باشند و خودشان در امورات زندگی و تصمیمات نقش داشته باشند به همان میزان نگرش مثبت‌تری به زندگی خواهند داشت و احساس خوشبینی در بخش‌های مختلف زندگی خواهند داشت و این امر به گسترش توسعه فرهنگی کمک خواهد کرد. در صورتی که میزان عضویت افراد افزایش یابد میزان اعتماد اجتماعی افراد بالا می‌رود و نیز حس برقراری عدالت در سطح جامعه به عنوان آیت‌های توسعه فرهنگی افزایش می‌یابد و بسترهای مورد نیاز برای توسعه فرهنگی را ایجاد می‌کنند.

در سال‌های اخیر در جهان و در کشور ما توجه به مباحث توسعه اقتصادی و سیاسی رشد قابل توجهی داشته است. این روند زمانی می‌تواند به پویایی نائل گردد، که با توسعه فرهنگی و سطح کیفی آن در ارتباط باشد. در کشور ایران، به دلیل اینکه اکثریت جمعیت جامعه را جوانان تشکیل می‌دهند و به دلیل رشد فزاینده محافل دانشگاهی و دانشجویی و بالا رفتن پذیرش دانشگاه‌ها و جذب بخش قابل توجهی از این جوانان در سیستم آموزش عالی کشور و پایین رفتن رتبه علمی دانشگاه‌ها با توجه به شرایطی که در این پژوهش مجال پرداختن به آن نمی‌باشد، نیازمند سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی به منظور استفاده از این سرمایه معنوی و تبدیل آن به سرمایه‌های مادی برای جامعه و توسعه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی می‌باشیم. همانطور که همگان شاهد هستیم

دنیای کنونی، دنیای ایستایی نیست و بخش عظیمی از کشورها اعم از کشورهای شرقی و غربی مسیر پویایی و رو به توسعه و بازنگری در مفاهیم موجود را در پیش گرفته اند که با توجه به جو حاکم بر جامعه جهانی کشور ما هم لاجرم باید پویایی و مسیر توسعه‌ای در پیش گیرد. به اعتقاد ما و براساس یافته‌های این پژوهش بهترین راه قدم گذاردن در مسیر توسعه، توسعه فرهنگی است و با توجه به میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری قشر دانشجو لازم است این بخش از جامعه برای توسعه آماده گردند و همانطور که رویدادهای حاکم بر دنیای امروز گویای آن است لازمی توسعه ایستایی و توسعه گرایی نیست و باید به رفع نابرابری‌های مختلف از جمله نابرابری جنسیتی در جهت تسهیل گری توسعه فرهنگی گام‌های جدی و موثر برداشت.

پیشنهاد‌های حاصل از پژوهش

در خصوص اعتماد اجتماعی، محتوای دروس دانشجویان در سطوح مختلف آموزشی به سمت تولید محتوایی باشد و در پی آن برنامه ریزی سیاستگذاران فرهنگی، بصورتی که دانشجویان احساس اطمینان و اعتماد بیشتری به هموطنان خود داشته باشند. در خصوص عقلانیت، دانشجویان در سودای تغییرات ریشه‌ای و کلی بدون هدف نباشند بلکه از تغییرات خرد، نظام مند و هدفمند شروع نمایند تا بتوانند بر نابرابری جنسیتی تلاش کنند.

آموزش خانواده‌ها به ویژه والدین در زمینه ضرورت رعایت برابری جنسیتی در تربیت و جامعه پذیری فرزندان دختر و پسر. توانمندسازی زنان و کوشش برای افزایش مشارکت آنان در موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از طریق افزایش سطح دانش رسمی آنها.

آموزش زوج‌های جوان در هنگام ازدواج در زمینه اشاعه‌ی فرهنگ برابری جنسیتی. تلاش برای کمرنگ کردن باورهای قالبی جنسیتی از طریق بازنگری در کتب درسی و داستانی. کوشش در اشاعه فرهنگ برابری جنسیتی با وضع قوانین مناسب از سوی دولتمردان بازنگری قوانین، مقررات، رویه‌ها و منابع آموزشی و محو کلیشه‌ها و سوگیری‌های جنسیتی از آنها ارائه تصاویری از زنان پویا در گستره مشاغل علمی، سیاسی و اجتماعی به منظور از میان بردن باورهای قالبی حاکم بر جامعه در خصوص ارزش‌های کاری، کار را به عنوان اصل و اساس زندگی قلمداد کرده و کار کردن را در پیشرفت فردی و جامعه مؤثر بدانند

در خصوص تلقی از آرمانشهری، دانشجویان زن ساختن جامعه مطلوب و آرمانی را در گرو مشارکت در امور جامعه بدانند و در امور مختلف جامعه مشارکت گسترده داشته باشند.

منابع و مآخذ

احمدی، وکیل (۱۳۹۲). "تغییر نگرش نسبت به نابرابری جنسیتی در طی فرایند گذار جمعیتی"، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره ۳، صص ۳۴-۱۵.

احدی، بهزاد (۱۳۹۶). طراحی و تبیین مدل توسعه فرهنگی اجتماعی پایدار ورزش همگانی ایران، رساله دکترا دانشگاه ارومیه رشته علوم ورزشی.

ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۹۳). جامعه شناسی توسعه، تهران: کیهان.

ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۶). جامعه شناسی توسعه، تهران: کیهان.

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه شناسی توسعه. تهران: مؤسسه نشر کلمه

آصف، هاجر (۱۳۹۶). طراحی الگوی توسعه فرهنگی استان گیلان با تاکید بر نقش محوری رسانه‌های محلی، رساله دکترا دانشگاه تهران، پردیس‌های منطقه‌ای - پردیس البرز.

- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). "نظریه‌ی کنش"، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۵). "تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی"، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران ثالث بیرو، آلن (۱۳۸۰). "فرهنگ علوم اجتماعی"، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴). "توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی"، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۲، صص ۲۳-۱.
- تیموری، زهرا (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی دستمزد در صنعت گردشگری (مورد مطالعه: دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- تولیت جوشقانی، سید سعید (۱۳۹۸). شناخت مولفه‌های توسعه فرهنگی با استفاده از روش داده بنیاد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق گروه مدیریت.
- رسلیان، آمنه (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین احساس نابرابری جنسیتی و سرمایه اجتماعی - فرهنگی زنان شهر آبادان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور استان همدان، مرکز پیام نور همدان.
- ریترز، جورج (۱۳۹۴). "نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر"، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- ریترز، جورج (۱۳۸۲). "نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر"، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- زمانی، ساجده (۱۳۹۸). بررسی اثر نابرابری جنسیتی بر رشد و بهره‌وری اقتصادی در کشورهای آسیایی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- صفری، حسین و پروانه دانش، خدیجه سفیری و سیروس فخرایی (۱۳۹۷). "تبیین نابرابری جنسیتی در سازمان‌های مردم نهاد استان آذربایجان شرقی"، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۷، شماره ۱، ۲۰۰-۱۷۹.
- فاطمی، داود (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی عوامل و موانع فرهنگی توسعه (مورد مطالعه: شهروندان استان زنجان)، رساله دکتری دانشگاه خوارزمی.
- قره حسنلو، فاطمه (۱۳۹۹). "شناسایی مضامین نابرابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- گروسی، سعیده (۱۳۸۴)، بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی مورد مطالعه شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز
- متقی، نرگس (۱۳۹۸). "موانع اجتماعی - فرهنگی دستیابی زنان به مدیریت سیاسی کلان کشور (بعد از انقلاب اسلامی ایران)"، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- موسوی، سیدصادق (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مؤثر بر میزان توسعه فرهنگی (مورد مطالعه: شهروندان ایلام)"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، استاد راهنما: دکتر عبدالرضا نواح.

Duflo, E. (2010). Gender inequality and development. ABCDE Conference, Stockholm, May.

Agbelono, E. (2018). "Comparative Analysis of Cultural Development Statistics: The Case of the First Yugoslavia," East European Quarterly, Vol. 02, No. pp.432-462

Gronona, M. (2000). A Cultural Typology of Economic Development. In. L. E

Harrison and S. P. Huntington (2000). Culture Matters: Have We Shaped

Grodach, C. (2014). "Cultural Development and the Entrepreneurial City: The Flagship Cultural Strategy in Los Angeles, San Francisco, and San Jose," PH.D Thesis in Urban Planning, University of California, Los Angeles.

Lindsay, S. (2000). Culture, Mental Models, and National Prosperity. In. L. E.

Turner, (1999) The Structure Of Sociological theory. Sixth Edition.

**Sociological study of the impact of gender inequality on cultural development (Case study:
female students of Islamic Azad universities in Tehran)**

Hamid Bakhtiyari¹

PhD student, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zahra Hazrati someeh²

Associate Professor of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author)

Sasan Vadiea³

Assistant Professor of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic azad University, Tehran, Iran

Abstract: *The aim of this study was to investigate the sociological impact of gender inequality on cultural development (Case study: female students of Islamic Azad universities in Tehran). The theoretical framework of the research has been designed using the theories of theorists such as Ritzer, Bourdieu, Bloomberg, Chafts, Smith and Engels, Harrison and Grundona. The research method is quantitative like the survey research method. The statistical population of this study is female students of Islamic Azad universities in Tehran and the sample size is 382 people and the multi-stage cluster sampling method is proportional to the volume and simple random. Data collection tool was a researcher-made questionnaire in which the validity of face-to-face content and trust tools was calculated with Cronbach's alpha and obtained 0.81. The results of the research show that in general, cultural development in contemporary Iranian society is in an unfavorable situation. There is also a significant inverse relationship between the unequal distribution of cultural capital, symbolic capital, economic capital and social capital as dimensions of gender inequality and cultural development. Regression test showed that the research variables were able to predict about 38.3% of the total changes in the dependent variable (cultural development). So that among the dimensions of gender inequality, cultural capital with a regression coefficient of 0.600 - the highest regression effect and unequal distribution of economic capital with a regression coefficient - 0.108 - have the lowest regression effect on the dependent variable (cultural development).*

Keywords: *Gender inequality, cultural development, symbolic capital, social capital, economic capital, cultural capital.*

¹ Email: hamidbakhtiari72@yahoo.com

² Email: hazrati14@yahoo.com (Corresponding Author)

³ Email: s.vadiea5@gmail.com